

تأثیر عوامل فردی - محیطی بر پایداری به شیوه‌های ازدواج (مطالعه موردی: دانشجویان روستایی - شهری دانشگاه‌های سنندج)

احمد محمدپور، استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه واندربیلت*
جلیل کریمی، استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه رازی کرمانشاه
مهدی علیزاده، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان
ابوبکر شریعت‌پناه، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان

چکیده

این مطالعه با هدف بررسی نگرش نسبت به پایداری به شیوه‌های ازدواج سنتی در بین دانشجویان روستایی و شهری و نقش عوامل فردی - محیطی بر آن انجام شده است. در این میان، رابطه متغیرهای محیط جغرافیایی (شهری یا روستایی بودن) و همچنین، نقش عوامل فردی مانند جنس، تحصیلات، پایداری به اعتقادات مذهبی و میزان استفاده از رسانه ماهواره با پایداری به آداب و رسوم سنتی ازدواج سنجیده شده است. در این مطالعه، روش‌شناسی پژوهش، کمی - پیمایشی بوده و از ابزار پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات در بین دانشجویان کلیه دانشگاه‌های شهر سنندج در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ استفاده شده است. تعیین حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران صورت گرفت و حجم نمونه مورد بررسی ۳۷۸ نفر برآورد شد. سؤال مطرح در مقاله حاضر این است که آیا محل زندگی در تعیین طرز تفکر افراد نسبت به ازدواج و مسائل مرتبط با آن نقش دارد یا خیر؟ برای جهت‌دادن به این سؤال، از نظریه تغییرات ارزشی اینگلهارت استفاده شد و برای پاسخ به آن پرسشنامه‌ای استاندارد شده به دو گروه از دانشجویان (روستایی و شهری) ارایه و نتایج آن تجزیه و شد. نتایج آزمون فرضیات نشان می‌دهد که هم در محیط روستایی و هم شهری مذهب نقش مثبتی در پایداری به ازدواج داشته است. در محیط روستایی در مقایسه با شهر هم‌رنگی و یکنواختی زیادی بین نگرش زن و مرد نسبت به ازدواج وجود دارد، اما میزان تحصیلات در هر دو محیط تأثیری در نگرش به ازدواج ندارد. در مورد تأثیر ماهواره (شبکه‌های خارجی) بر ازدواج نیز نقش منفی استفاده از ماهواره در نگرش به ازدواج در میان روستاییان تأیید شد. به طور کلی، نتایج از تفاوت‌های محیط جغرافیایی شهری با روستایی حکایت دارد.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ ازدواج، عوامل فردی - محیطی، نظریه اینگلهارت، دانشجویان دانشگاه‌های سنندج.

مقدمه و طرح مسأله

ازدواج سنتی فطری و الهی است که از دیرباز وجود داشته است و تمام شریعت‌ها و قوانین آن را ترغیب کرده‌اند. ازدواج، قراردادی است که به موجب آن، زن و مرد در زندگی با یکدیگر شریک و متحد شده، خانواده‌ای را تشکیل می‌دهند. مصلحت فرد و اجتماع در این است که زنان و مردان پیمان زناشویی ببندند و تشکیل خانواده دهند. اسلام نیز خانواده را بر آرامش، مودت، مهربانی و مساوات استوار ساخته است. آنچه از خود ازدواج مهمتر به شمار می‌رود، موفقیت در ازدواج یا سازگاری بین زوجین است. سازگاری زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساسی ناشی از خوشبختی و رضایت از هم دارند. روابط رضایت‌بخش در بین زوجین از طریق علاقه متقابل، میزان مراقبت از همدیگر، پذیرش و تفاهم با یکدیگر قابل‌ارزیابی است (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۱۰).

در بخش گسترده‌ای از پژوهش‌های مربوط به ازدواج، یافته‌های تجربی حاکی از تغییر در ارزش‌های زناشویی هستند. در گستره ارزش‌های همسرگزینی، نتایج مبین آن است که نظام سنتی انتخاب همسر، نه تنها در کشورهای توسعه‌یافته صنعتی (باس، کرکپاتریک ولارسن، ۲۰۰۷: ۴۹۵) بلکه در جوامع غیرغربی توسعه یافته مانند چین، ژاپن و درحال توسعه مانند پاکستان، مالزی و غیره نیز دستخوش دگرگونی‌های اساسی شده است (دلخمش، ۱۳۸۶: ۳۰۰).

سنجش ارزش‌های زناشویی در غرب نشان می‌دهد که پذیرش بیشتری در باب طلاق و آرایش‌های غیرسنتی زندگی، مانند زندگی مشترک غیررسمی و همچنین پذیرش رابطه جنسی پیش از ازدواج نسبت به گذشته وجود دارد. نقش‌های جنسی سنتی شوهر نان‌آور و زن خانه‌دار در برابر نقش‌های سنتی برابر نگر کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. شواهد تجربی‌ای که مؤید نفوذ ارزش‌های غربی در ساختار و روابط زناشویی جوامع در حال توسعه‌اند، فرآیند نوسازی جوامع سنتی در حال گذار

را با چالش‌های پر دامنه‌ای در قلمرو ازدواج مواجه کرده‌اند: بالارفتن سن ازدواج، تغییر نقش زن در روابط زناشویی، عشق به عنوان دلیل ازدواج، رواج روابط پیش از ازدواج و ترجیحات نوین در همسرگزینی. داده‌هایی که از مناطق گوناگون گردآوری شده‌اند، تغییرات متعددی را در ارزش‌های همسرگزینی به اثبات رسانده‌اند. در مطالعات بین‌فرهنگی در باب ترجیحات شریک زندگی، فرهنگ واریانس بیشتری را تبیین می‌کند تا جنس. به نظر می‌رسد که منظرهای فرهنگی باید بخش لاینفکی از روان‌شناسی ارتباط‌های شخصی به شمار رود (دلخمش، ۱۳۸۶: ۳۰۰).

پس پرسش هسته‌ای که از رویارویی این دیدگاه‌های کلی در قلمرو فرهنگ ازدواج شکل می‌گیرد، این است که با در نظر گرفتن روند کنونی جهانی شدن الگوهای فرهنگ غربی، آیا در ایران و به‌خصوص در روستاها، ارزش‌های ازدواج هم از آن حالت سنتی خود خارج گشته است؟

پاسخ به این سؤال را با استفاده از تجزیه و تحلیل نگرش دانشجویان پاسخ خواهیم داد، چرا که دوره دانشجویی، سن و دوره ازدواج است. همان‌گونه که در چند سال اخیر با برگزاری جشن‌های ازدواج دانشجویی، آنان به این امر ترغیب می‌شوند، نوعی مشغله ذهنی در رابطه با ازدواج به‌وجود می‌آید.

تحقیق حاضر با هدف بررسی نگرش دانشجویان روستایی در رابطه با پابندی به شیوه‌های فرهنگی ازدواج سنتی و مقایسه آن با دانشجویان شهری شکل گرفته است. در این میان، رابطه متغیرهای محیط جغرافیایی (شهری یا روستایی بودن) جنس، پابندی به اعتقادات مذهبی و تحصیلات با پابندی به آداب و رسوم سنتی ازدواج سنجیده می‌شود. دلیل انتخاب دانشجویان دانشگاه‌های سندج آن است که شهر سندج در خلال چند سال اخیر از نظر بافت فرهنگی، قومی و دانشجویی بسیار ناهمگون شده و در معرض بسیاری از تغییرات نوین ارزشی نیز قرار گرفته است؛ بر همین اساس، مطالعه

شهر اهواز" نشان داد که، دختران جوان با معیارهای صحیح همسرگزینی و میزان اهمیت به آنها آشنایی دارند؛ به طوری که نمونه مورد پژوهش به طور معناداری به معیارهای زیر خیلی اهمیت می‌داد. این معیارها عبارتند از: معیار توافق، معیار خانواده، معیار پزشکی، استقلال خانواده جدید، خصوصیات اخلاقی و مذهبی. همچنین، نتایج نشان داد که بین معیارهای همسرگزینی دختران جوان با توجه به سن، زبان مادری، ترتیب تولد، اندازه خانواده و سواد والدین آنان تفاوت معناداری وجود ندارد و تنها بین معیارهای همسرگزینی دختران نواحی تحصیلی چهارگانه، تفاوت معنادار وجود دارد.

عسکری‌ندوشن و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه دیگری با عنوان مادران، دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد) تفاوت‌ها و تغییرات بین‌نسلی در ارزش‌ها و نگرش‌های مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده را در بین دو نسل مادران و دختران مقایسه و تحلیل کرده‌اند. داده‌های تحقیق، از طریق پیمایش، در شهر یزد جمع‌آوری و اطلاعات مربوط به ۱۵۵ نفر از نسل مادران و ۱۵۵ نفر از نسل دختران تحلیل شده است. نتایج بیانگر اجماع و توافق نظر هر دو نسل در مورد سن مناسب ازدواج و همچنین مخالفت با چند همسری مردان است که ثبات زیاد این ابعاد نگرشی را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، تفاوت‌های بین‌نسلی معناداری در ایده‌ها و نگرش‌های دختران و مادران در ابعادی نظیر زمان بندی فرزند اول، ازدواج خویشاوندی، نحوه انتخاب همسر و مجرد ماندن وجود دارد و دختران از ایده‌ها و نگرش‌های مدرن‌تری در این ابعاد برخوردارند. چنین تفاوت‌های بین نسلی در نگرش‌های ازدواج می‌تواند هم ناشی از تغییرات ایده‌ای و هم ناشی از تفاوت‌های نسلی در مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی، از جمله آموزش، اشتغال و خاستگاه شهری باشد که بررسی‌های بیشتری را می‌طلبد. هرچند دامنه تغییرات نسلی در محیط مورد مطالعه گسترده نیست، ولی

فرهنگ ازدواج در بین دانشجویان این شهر از اهمیت شایانی برخوردار است.

مروری بر ادبیات پژوهشی

مطالعات متعددی در زمینه عوامل مؤثر بر فرآیند ازدواج، روابط زناشویی، پیامدها و ابعاد آن صورت گرفته‌اند. با وجود این، به جرأت می‌توان عنوان کرد که مطالعات اندکی بر عوامل فرد - محیطی مرتبط با فرهنگ ازدواج به ویژه در بین قشر دانشجویان انجام شده که تغییرات ارزشی و نگرشی را نیز در نظر گرفته باشد. بر همین اساس، این تحقیق در نوع خود می‌تواند از بررسی‌هایی محسوب شود که در این حوزه مفید بوده و ازدواج را در ارتباط با ابعاد ارزشی و هنجاری آن واکاوی کند. در این خصوص، برخی مطالعات انجام شده‌اند که تا حدی به موضوع و اهداف این مطالعه نزدیکند.

دلخمش (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان "سلسله مراتب ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی" سلسله مراتب ارزش‌های ازدواج در بین ۲۶۸۰ دانشجو و دانش‌آموز زن و مرد ایرانی با استفاده از مقیاس مؤلف ساخته ارزش‌های ازدواج (با ابعاد: محاط شدگی در برابر خودپیروی، و سلسله مراتبی در برابر برابرنگری) ارزشیابی کرده است. یافته‌های پژوهش نشان دادند که در مقیاس سلسله مراتب ارزش‌های ازدواج جوانان، ابعاد خودپیروی و برابرنگری در رتبه‌های بالاتر و ابعاد محاط شدگی و سلسله مراتبی در جایگاه پایین‌تری قرار دارند. انتظار می‌رفت که تهرانی‌ها نسبت به جوانان سایر استان‌ها و دانشجویان در مقایسه با دانش‌آموزان، در ارزش‌های ازدواج خود پیروتر و برابرنگرتر باشند. هرچند تهرانی‌ها و دانشجویان خود پیروتر بودند، اما با تأکید بیشتر بر توزیع نابرابر قدرت و نقش‌ها در زندگی زناشویی، بعد سلسله مراتبی ارزش‌های ازدواج را با اهمیت‌تر می‌شمردند.

علی‌اکبری دهکردی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان "بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های همسرگزینی دختران جوان

نتایج بیانگر تغییراتی آرام در ویژگی‌های خانواده در ایران است.

از میان نزدیکترین و مرتبط‌ترین مطالعات به تحقیق حاضر، همچنان می‌توان به کارهای حسینی و شوازی (۱۳۸۸) درباره "تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد و تُرک"، کاظمی‌پور (۱۳۸۸) درباره "سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن"، شوازی و ترابی (۱۳۸۵) با عنوان "تفاوت‌های بین‌نسلی ازدواج خویشاوندی در ایران"، دلخمش (۱۳۸۵) در خصوص "ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی"، و کار موحد و عباسی‌شوازی (۱۳۸۵) در زمینه "بررسی رابطه جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین‌شخصی دو جنس پیش از ازدواج" اشاره کرد.

مطالعات خارجی متعددی نیز وجود دارند که البته بر تغییرات فرهنگی ایجاد شده در رفتار ازدواج و ابعاد آن تأکید دارند. از این دست مطالعات می‌توان به کارهای ارزشمندی، چون: هیرشمن و هومین (۲۰۰۲) پیرامون "تأثیرات نوسازی بر ساختار خانواده در ویتنام"، تورن (۲۰۰۴) درباره "گذار خانواده از شکل سنتی به شکل مدرن"، کینر (۲۰۰۴) "با عنوان خانواده‌های جدید برای زمان‌های جدید"، مالهوترا و تسوی (۱۹۹۶)، "تأثیرات نوسازی و عوامل فرهنگی - سنتی بر زمان ازدواج در سری‌لانکا"، ال‌حاج (۱۹۹۵ و ۱۹۹۸) در زمینه "اثرگذاری فرآیند نوسازی بر نظام خویشاوندی در جوامع در حال توسعه و کشورهای عربی" نام برد. این مطالعات گرچه بر تغییرات ایجاد شده ناشی از ورود عناصر مدرن در ازدواج و خانواده تأکید داشته‌اند، اما خود فرهنگ ازدواج را چندان مورد توجه قرار نداده‌اند.

مبانی نظری

رویکردها و تبیین‌های نظری مطرح در زمینه تغییرات ازدواج و خانواده را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم نمود:

گروه اول تأکید بیشتری بر نقش تغییرات ساختاری جامعه در تبیین تغییرات خانواده دارند که به آنها تبیین‌های ساختاری گفته می‌شود. در مقابل، دسته دوم بیشتر بر نقش عوامل فرهنگی و تغییر ایده‌ها در تبیین تغییرات خانواده تأکید می‌کنند که به نظریات یا تبیین‌های ایده‌ای موسوم‌اند. یکی از رایجترین و پرکاربردترین تبیین‌های ساختاری، نظریه مدرنیزاسیون یا همگرایی خانواده (Good, 1963) است. طبق این نظریه، فرآیند مدرنیزاسیون موجب تجدید ساختار جوامع از طریق صنعتی‌شدن، شهرنشینی، افزایش آموزش، گسترش رسانه‌های گروهی، توسعه حمل و نقل و ارتباطات و غیره می‌گردد. تحت تأثیر این تحولات ساختاری، الگوها و عناصر سنتی ازدواج و خانواده در جوامع کمتر توسعه یافته سرانجام به سمت مدل جهان شمول خانواده مدرن غرب با ویژگی‌هایی، نظیر: هسته‌ای بودن، فرد محوری، آزادی در انتخاب همسر، ازدواج در سنین بالا، باروری پایین و برابری جنسیتی پیش خواهد رفت (عسکری ندوشن و دیگران، ۱۳۸۸).

در تبیین‌های ایده‌ای و نگرشی (Clel & Wilson, 1987; Lesthaeghe, 1995; Lesthaeghe & Surkyne, 1988; van de Kaa, 2001) عمدتاً بر نقش تغییرات فرهنگی و ارزشی جوامع (نظیر رشد فردگرایی و سکولاریزم و همچنین اشاعه ایده‌ها و ارزش‌های غربی) در تغییر رفتارها و ایده‌آل‌های مرتبط با ازدواج و خانواده تأکید می‌شود. نظریه‌گذار دوم جمعیتی (Van de Kaa, 1987; Lesthaeghe, 1995) یکی از چارچوب‌هایی است که عمدتاً برای تحلیل روند تحولات خانواده در کشورهای پیشرفته صنعتی پس از جنگ جهانی دوم (نظیر افزایش میزان‌های طلاق، گسترش آزادی جنسی، کاهش باروری، افزایش سن ازدواج، افزایش زندگی‌های مشترک بدون ازدواج و رواج فرزندآوری خارج از حیطه ازدواج) مطرح گردید. نظریه‌گذار دوم جمعیتی، تغییرات بنیادین ارزشی و گسترش ایده‌های پست‌ماتریالیستی؛ یعنی تأکید بر استقلال فردی و خود تحقق بخشی، را عامل تغییرات نوین خانواده تلقی می‌کند.

تغییرات خانواده در بین همه گروه‌ها و لایه‌های اجتماعی یکسان و همزمان نیست. معمولاً در بین گروه‌های مختلف اجتماعی، سطوح مختلفی از پابندی به ارزش‌های ریشه‌دار تاریخی و همچنین انطباق با تغییرات جدید نیز وجود دارد که سبب ایجاد تفاوت‌ها و شکاف‌های اجتماعی می‌گردد. در فرآیند تحولات شتابان اجتماعی، یکی از بارزترین شکاف‌های ارزشی و نگرشی در بین نسل‌های قدیم و جدید نمود پیدا می‌کند؛ به طوری که نسل‌های قدیم گرایش بیشتری به حفظ و استمرار ارزش‌های ریشه‌دار فرهنگی دارند و در مقابل، نسل‌های جوانتر به تغییرات اجتماعی جدید روی آورده و به آن فرصت و امکان بروز می‌دهند (همان).

نظریه تحول و دگرگونی فرهنگی و ارزشی که رونالد اینگلهارت طرح کرده و گسترش داده است، مبنای نظری مقاله پژوهشی حاضر را تشکیل می‌دهد. این نظریه بر اساس نتایج چهار موج پیمایش ارزش‌های جهانی که بیش از ۸۵ جامعه در سطح جهان و ۸۵ درصد از جمعیت کل جهان را در بر می‌گیرد، تدوین و تکمیل شده است (اینگلهارت، ۱۳۸۲). این نظریه به دنبال فهم چگونگی و چرایی تغییر و تحولات فرهنگی و ارزش‌ها و نگرش‌های جوامع است. اینگلهارت درباره تغییر فرهنگ‌ها بر این باور است که هر فرهنگ، رهیافت مردم را در تطابق با محیط‌شان نشان می‌دهد. این رهیافت در بلند مدت به دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیک پاسخ می‌دهد. جهان‌بینی مردم تنها به آنچه بزرگترانشان به آنها می‌آموزند، بستگی ندارد، بلکه جهان‌بینی آنها با تجارب کلی زندگی‌شان شکل می‌گیرد و گاهی تجارب سازنده یک نسل جوان عمیقاً با تجارب نسل‌های گذشته متفاوت است. هر چند اینگلهارت بر تأثیر تغییرات تکنولوژیک و اقتصادی در تغییرات نگرشی و ارزشی جوامع (به ویژه غربی) تأکید بیشتری می‌کند، اما از نقش عامل دیگری نیز سخن به میان می‌آورد که خود آن را میراث فرهنگی و اجتماعی جوامع می‌نامد. به طور کلی، رهیافت

نسخه جدیدی از تبیین‌های ایده‌ای و ارزشی تغییرات خانواده اخیراً با عنوان "نظریه ایده‌آلیسم توسعه" مطرح شده است (Thornton, 2001 & 2005). در این نظریه، بر اشاعه و گسترش ایده‌های مرتبط با توسعه، پیشرفت و مدرنیته در سطح جهان به عنوان نیرویی مهم و تأثیرگذار در تغییرات ارزشی و رفتاری خانواده تأکید شده است. بر اساس این دیدگاه، در چند قرن گذشته، ایده‌های مرتبط با توسعه و پیشرفت به عنوان یک آرمان بشری مطلوب در سراسر جهان مقبولیت یافته و به شکل بسته‌ای از ایده‌ها - ایده‌آلیسم توسعه - انتشار یافته‌اند. بسته ایده‌آلیسم توسعه حاوی مجموعه‌ای از ایده‌ها به این شرح است که: (۱) جامعه مدرن جامعه‌ای خوب و قابل حصول است؛ (۲) خانواده مدرن، خانواده‌ای خوب و قابل حصول است؛ (۳) خانواده مدرن و جامعه مدرن ارتباط علی متقابل دارند و لازم و ملزوم یکدیگرند. (۴) انسان‌های مدرن آزاد و برابرند و روابط اجتماعی مبتنی بر توافق و اجماع است. این مجموعه از ایده‌ها، آرمان‌ها و ایده‌آل‌های تأثیرگذاری را ایجاد نموده که در تغییرات نگرشی و رفتاری خانواده در سطح جهان نیرویی قدرتمند بوده است. هر کجا عناصری از ایده‌آل‌های اساساً غربی توسعه و اشکال خانواده مرتبط با آن گسترش و مقبولیت یافته‌اند، به تسریع تغییر در بسیاری از رفتارهای جمعیتی و خانوادگی، نظیر: افزایش استفاده از روش‌های پیشگیری، کاهش باروری و گسترش خانواده‌های کوچکتر، افزایش سن ازدواج، نظارت کمتر والدین بر ازدواج جوانان، طلاق بیشتر، برابری جنسیتی بیشتر، روابط جنسی و فرزندآوری خارج از محدوده ازدواج کمک کرده‌اند. در عین حال، مقاومت در برابر عناصری از ایده‌آلیسم توسعه در نقاطی از دنیا عاملی در ابقای الگوها و اشکال سنتی خانواده بوده است (عسکری ندوشن و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۰).

گرچه هر کدام از این دیدگاه‌ها کوشیده‌اند عوامل تغییرات خانواده و ساز و کار تأثیرگذاری آنها را توضیح دهند، اما قدر مسلم اینکه تأثیر عوامل نگرشی و ساختاری

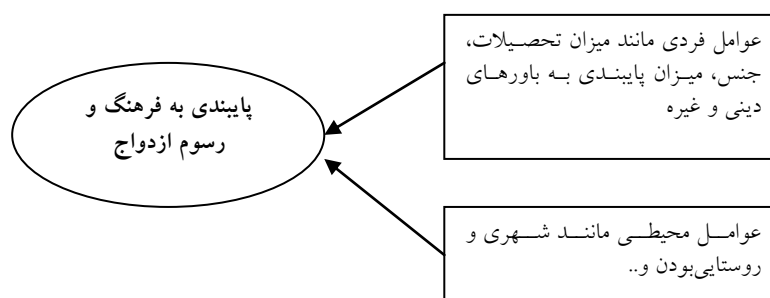
اقتصادی) به مادی‌گرایی می‌انجامد؛ فرضیه جامعه‌پذیری بر وجود آثار بلند مدت نسلی دلالت دارد. اینگلهارت (۱۹۹۷؛ ۲۰۰۵) یادآور می‌شود که ارزش‌های فرامادی‌گرایانه نوعی احساس امنیت ذهنی فرد را منعکس می‌کند و نه صرفاً سطح توسعه اقتصادی (پایگاه اقتصادی) وی را. به این ترتیب فرضیه کمیابی باید از طرف فرضیه جامعه‌پذیری حمایت شود. ساختار اساسی شخصیت فرد پیش از بلوغ شکل می‌گیرد و پس از آن تغییرات نسبتاً کمی صورت می‌گیرد.

در مجموع و بر اساس این نظریه، مبنای نظری پژوهش حاضر بر این نکته تأکید دارد که دو عامل محیط و فرد در پابندی به ارزش‌ها و نوع جهت‌گیری ارزشی افراد نقش دارند و از اهداف مهم این تحقیق نیز بررسی نقش این دو متغیر، یعنی محیط زندگی افراد و ویژگی‌های فردی مانند نوع جنسیت، میزان تحصیلات، میزان پابندی به باورهای دینی در جهت‌گیری ارزشی آنان نسبت به ازدواج است. پس، الگوی نظری مقاله حاضر به صورت زیر است.

نظریه‌پردازی او دو سطح سیستم (ساختار یا محیط جامعه) و سطح خرد (افراد) را مدنظر قرار می‌دهد؛ به این شکل که تغییرات محیطی و کلان در سیستم جامعه به دگرگونی‌هایی در سطح فردی انجامیده و این دگرگونی‌ها در سطح خرد دارای پیامدهایی برای سیستم هستند (اینگلهارت، ۱۹۹۷: ۱۲۵).

در مجموع، نظریه تغییر نگرشی و ارزشی اینگلهارت دارای دو فرضیه پیش‌بینی‌گر است که دگرگونی ارزش‌ها را تبیین می‌کند: (۱) فرضیه کمیابی: که براساس آن اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی و اقتصادی اوست و فرد بیشترین ارزش‌ها را برای چیزهایی قائل است که عرضه آنها کم است؛ (۲) فرضیه جامعه‌پذیری: این اصل بر این قضیه مبتنی است که ارزش‌های اساسی فرد به شکل گسترده منعکس‌کننده شرایط و فرآیند جامعه‌پذیری وی است که در سال‌های قبل از بلوغ تجربه کرده است. بنابراین، فرضیه کمیابی به تغییرات کوتاه مدت با آثار دوره‌ای اشاره دارد: دوره‌های رونق اقتصادی به افزایش فرامادی‌گرایی و دوره‌های کمیابی (رکود

الگوی نظری و فرضیات پژوهش



۳- بین میزان پابندی به رسم ازدواج و جنسیت در محیط‌های شهری و روستایی ارتباط معناداری وجود دارد.

۴- بین میزان تحصیلات و میزان پابندی به رسم ازدواج در بین محیط‌های شهری و روستایی ارتباط معناداری وجود دارد.

۱- میزان پابندی به رسم ازدواج به تفکیک محیط شهری و روستایی تفاوت دارد.

۲- بین میزان تقید به مذهب و میزان پابندی به رسم ازدواج در بین محیط‌های شهری و روستایی ارتباط معناداری وجود دارد.

گسترش تمدن غربی در جامعه ایرانی، این سنت کم‌رنگ‌تر شده و در نتیجه به تضعیف رسوم مرتبط با آن، مانند: حنابندان، رقص و پایکوبی و غیره نیز منجر شده است. ابعاد شاخص ازدواج به صورت زیر است:

- پابندی به تدارک مراسم‌های مختلف ازدواج
- تمایل و تصمیم به ازدواج
- امیدواربودن به پایداری ازدواج

متغیرهای زمینه‌ای

پابندی به نمادها و مراسم مذهبی: مذهب پدیده‌ای است که مردم هم به آن اعتقاد دارند و هم به آن عمل می‌کنند. یکی از این نمادهای مذهبی که ارتباط زیادی با کارکرد فرهنگ دارد، مراسم مذهبی است. در واقع، مراسم مذهبی از مهمترین جنبه‌های فرهنگی، عملی و اجتماعی دین است که از اهمیت زیادی برخوردار است (مک‌لولین، ۱۳۸۳: ۶۸) ابعاد شاخص مذهب به صورت زیر است:

- شرکت در مجامع و مراسم مذهبی (مانند، شرکت در نماز عید فطر، سرزدن به اماکن مقدس و ...).
- اجرای آیین‌های مذهبی: خواندن نمازهای واجب، روزه گرفتن.

متغیرهای زمینه‌ای در این تحقیق که رابطه یا عدم رابطه آن با پابندی به ازدواج بررسی می‌شود، عبارتند از:

مشخصات فردی: الف: جنس: مذکر یا مؤنث بودن
دانشجو ب: میزان تحصیلات: بر اساس سال‌های تحصیل در دانشگاه سنجیده می‌شود.

میزان استفاده از ماهواره: مدت زمانی را که فرد در شبانه‌روز صرف استفاده از ماهواره (کانال‌های خارجی) می‌نماید.

محیط زندگی: شهری یا روستایی بودن پرسش‌شونده مدنظر بوده است.

۵- بین محیط شهری و روستایی از نظر میزان استفاده از ماهواره و میزان پابندی به رسم ازدواج تفاوت معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی

در این تحقیق از روش پیمایشی استفاده شد و ابزار گردآوری داده‌ها نیز پرسشنامه محقق ساخته و پیش‌آزمون شده است. برای آزمون فرضیه‌ها و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Spss و آماره‌های توصیفی و استنباطی از جمله آزمون T، رگرسیون و تحلیل واریانس استفاده شد. برای اطمینان از روایی پرسشنامه، از نظرهای متخصصان و جامعه‌شناسان استفاده گردید. اعتبار پرسشنامه نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ آزمون شد که ضریب به دست آمده آلفای کل در حد مطلوب ۰/۸۳ است. حجم کل جامعه آماری این پژوهش تعداد ۲۷۳۶۳ نفر کل دانشجویان دانشگاه‌های شهر سمنان هستند که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه آماری ۳۷۸ نفر برآورد شدند. سپس با استفاده از روش طبقه‌ای متناسب، نمونه‌های مذکور انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای بود که توسط محققان طراحی شد و بعد از پیش‌آزمون، استفاده شد.

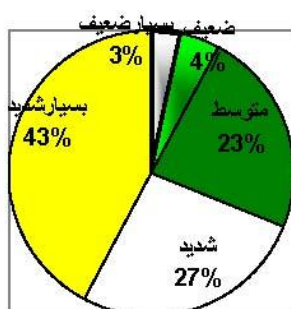
متغیرها و شاخص‌های تحقیق

متغیر وابسته در این تحقیق، میزان پابندی به آداب و رسوم ازدواج است. در فرهنگ غنی ایرانی، ازدواج و پیوند زناشویی پایه و اساس یک خانواده و در نتیجه یک جامعه موفق و اخلاقی است. در واقع، ازدواج به معنای باهم قرین شدن معنی شده است (لغت‌نامه دهخدا). بزرگان این سرزمین به موجب جلوگیری از سست شدن اخلاقیات در جامعه و کنترل انحطاط و فحشا و همچنین، استواری تفکر و اندیشه زنان و مردان، ازدواج را یکی از مهمترین ارکان جامعه بر شمرده‌اند. با پای گذاشتن به عرصه زندگی مدرن در چند سال اخیر و در نتیجه

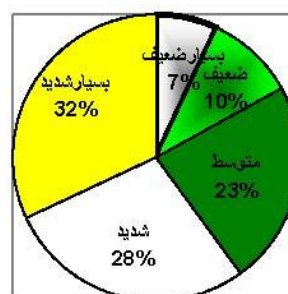
یافته‌های توصیفی

در این پژوهش از میان ۳۷۸ نفر حجم نمونه آماری، ۹۰ نفر را دانشجویانی تشکیل می‌دهند که ساکن روستا هستند و ۲۸۸ نفر دیگر ساکن شهر هستند. ساکنان

روستا را ۶۵ پسر و ۲۵ دختر و ساکنان شهرها را ۱۵۳ پسر و ۱۳۳ دختر تشکیل می‌دادند. ۵۲/۸٪ از دانشجویان شهر به ماهواره دسترسی داشته‌اند، در حالی که ۴۵/۴٪ از دانشجویان روستا به ماهواره دسترسی داشته‌اند.



نمودار ۲- میزان پابندی به فرهنگ ازدواج در میان دانشجویان روستایی



نمودار ۱- میزان پابندی به رسوم و فرهنگ ازدواج در میان دانشجویان شهری

نمودار فوق، میزان شاخص پابندی به رسوم ازدواج دانشجویان بالاست؛ یعنی، شاخص ازدواج به فرهنگ جامعه تمایل داشته و از انسجام برخوردار است. اعتقادات و پابندی به ارزش‌های دینی پاسخگویان برحسب محیط زندگی نیز در جدول ۲ آمده است.

دو نمودار بالا میزان نمره اختصاص داده شده را به شاخص پابندی به رسوم و فرهنگ ازدواج مطابق با فرهنگ جامعه در میان دانشجویان شهری و روستایی نشان می‌دهد. نمره متوسط به بالای میزان پابندی به شاخص پابندی به رسوم ازدواج در میان شهری‌ها ۸۳٪ درصد و در میان روستاییان ۹۳٪ درصد است. با توجه به دو

جدول ۲- بررسی تطبیقی دانشجویان شهری و روستایی از نظر میزان مذهبی بودن

میزان مذهبی بودن	شهری	روستایی	جمع
پایین	۵۳ ٪۱۸/۴	۱۲ ٪۱۳/۳	۶۵ ٪۱۷/۲
متوسط	۱۱۸ ٪۴۱	۱۸ ٪۲۰	۱۳۶ ٪۳۶
بالا	۱۱۷ ٪۴۰/۶	۶۰ ٪۶۶/۷	۱۷۷ ٪۴۶/۸
جمع	۲۸۸ ٪۱۰۰	۹۰ ٪۱۰۰	۳۷۸ ٪۱۰۰

۱۳/۳ درصد از روستاییان دارای اعتقادات دینی پایینی بوده‌اند. درصد افراد با اعتقادات دینی متوسط ۳۶ درصد از کل پاسخگویان بوده است. ۴۱ درصد از دانشجویان شهری و ۲۰ درصد از دانشجویان روستایی در گروه

بررسی این جدول نشان می‌دهد که تنها ۱۷/۲ درصد از پاسخگویان دارای اعتقادات مذهبی پایینی بوده‌اند. مقایسه درصد شهری‌ها و روستاییان در طبقه اعتقادات پایین نشان می‌دهد که ۱۸/۴ درصد از شهری‌ها و تنها

اعتقادات دینی بالایی بوده‌اند و حال آنکه تنها ۱۳/۳ درصد در طبقات پایین جای داشتند؛ در حالی که نمرات افراد شهری از نظر پابندی به مذهب در سطح پایین‌تری قرار دارد؛ آن گونه که بیش از ۵۸ درصد افراد شهری از نظر اعتقادات مذهبی پایین‌تر از متوسط هستند. این امر گویای آن است که افراد شهری در حال یک نوع گذار ارزشی از ارزش‌های سنتی به ارزش‌های مدرن هستند.

اعتقادات دینی متوسط جای گرفته‌اند. همچنین، بیشترین درصد افراد نمونه؛ یعنی ۴۶/۸ درصد، دارای اعتقادات دینی بالایی بوده‌اند.

بررسی جدول گویای آن است که الگوی توزیع فراوانی در بخش پابندی به اعتقادات مذهبی در میان شهری‌ها متفاوت از روستاییان است. مقایسه نحوه توزیع افراد نشان می‌دهد نمرات افراد روستایی از نظر اعتقادات مذهبی بالاتر است؛ آن گونه که ۶۶/۷ درصد از افراد دارای

جدول ۳- آمار توصیفی مقایسه میانگین پابندی به شاخص ازدواج بر اساس تأثیر میزان استفاده از ماهواره، میزان تحصیلات و جنسیت فرد بر آن

نقش ماهواره		نقش تحصیلات		نقش جنس	
عدم استفاده از ماهواره	استفاده از ماهواره	سال اول و دوم و چهارم	سال سوم و چهارم	مرد	زن
میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین
۳۷/۵	۳۷	۳۵	۳۹	۳۵	۳۸
۴۲	۳۵	۳۹/۵	۴۵	۳۹/۷	۴۰/۹

هستند، اما در میان استفاده‌کنندگان از ماهواره در روستا نسبت به غیر استفاده‌کنندگان از ماهواره این میانگین کمتر است. به نظر می‌رسد روستاییانی که از ماهواره استفاده می‌کنند، از تأثیرات منفی ماهواره بیشتر اثر می‌پذیرند تا شهری‌ها. در بخش نقش تحصیلات نتایج در هر دو محیط زندگی گویای نقش مثبت تحصیل بر پابندی به فرهنگ ازدواج است. در بخش نقش جنس در ازدواج نیز میانگین پابندی جنس مؤنث از مذکر در هر دو محیط شهری و روستایی بیشتر است.

در کل، از مقایسه محیط شهر با روستا این نتیجه حاصل می‌شود که میانگین پابندی به فرهنگ ازدواج در میان روستاییان نسبت به شهری‌ها بیشتر است.

یافته‌های استنباطی

۱- بین محیط شهری و روستایی از نظر میزان پابندی به رسم ازدواج تفاوت وجود دارد.

در جدول بالا میانگین ۰ - ۲۰ پابندی ضعیف به ازدواج، میانگین ۲۱ - ۳۰ پابندی متوسط به ازدواج و میانگین ۳۱ - ۵۰ پابندی مستحکم به ازدواج مطابق با فرهنگ و عرف جامعه را نشان می‌دهد. با توجه به جدول، تمام میانگین‌ها مابین ۳۱ - ۵۱ قرار گرفته‌اند و در نتیجه، نمره کل دانشجویان در پابندی به شاخص ازدواج در سطح بالایی قرار داشته که این نشان‌دهنده هویت فرهنگی مستحکم دانشجویان در این رابطه است.

همچنین، توزیع فراوانی و درصد نگرش دانشجویان نسبت به پابندی به فرهنگ ازدواج بر اساس میزان استفاده از ماهواره، میزان تحصیلات، جنسیت و محیط زندگی‌شان در جدول نشان داده شده است.

نتایج به دست آمده از جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین پابندی به ازدواج استفاده‌کنندگان از ماهواره و عدم استفاده‌کننده در محیط شهری نمره یکسانی را دارا

مردان روستایی در پایداری به فرهنگ ازدواج از مردان و زنان شهری بیشتر است. ۴- بین میزان پایداری به رسم ازدواج و جنسیت در محیط‌های شهری و روستایی ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۷- بررسی تطبیقی دانشجویان شهری و روستایی از نظر نقش تحصیلات در پایداری به رسم ازدواج با استفاده از تحلیل واریانس

روستایی		شهری		سطح تحصیلات		
Sig	نسبت f	درجه آزادی	منبع تغییرات	درجه آزادی	نسبت f	منبع تغییرات
۰/۲۳	۱/۴۵	۳	میان گروه	۰/۱۱	۲	میان گروه
		۸۶	درون گروه		۲۷۶	درون گروه

هم در شهر و هم در روستا در میزان پایداری به فرهنگ ازدواج تفاوتی دیده نمی‌شود و باید تفاوت را در متغیرهای دیگر جستجو کرد.

۵- بین محیط شهری و روستایی از نظر میزان استفاده از ماهواره و میزان پایداری به رسم ازدواج تفاوت معناداری وجود دارد.

با توجه به جدول ۷، در میان روستاییان و شهری‌ها تفاوتی بین میزان تحصیلات افراد با میزان پایداری به فرهنگ ازدواج دیده نمی‌شود. بنابراین، از این نظر بین محیط شهری و روستایی شباهت وجود دارد، نه تفاوت؛ پس فرضیه چهارم رد می‌شود؛ یعنی افرادی که از تحصیلات پایین‌تری برخوردارند، نسبت به افراد باسوادتر

جدول ۸- بررسی تطبیقی دانشجویان شهری و روستایی از نظر تأثیر استفاده از ماهواره بر پایداری به رسم ازدواج با استفاده از رگرسیون خطی

روستایی		شهری		میزان استفاده از ماهواره			
sig	ضریب همبستگی	t	فراوانی	sig	ضریب همبستگی	t	فراوانی
۰/۰۰۰	-۰/۲۸	-۳/۱	۹۰	۰/۳۱	۰/۰۳	۱	۲۸۸

دانشجویان روستایی وقت بیشتری را صرف‌گذران وقت با ماهواره کرده‌اند، به همان میزان پایداری به ازدواج آنان نیز تضعیف شده است، اما هیچ رابطه‌ای در این باره در مورد محیط شهری دیده نمی‌شود؛ بنابراین، دانشجویان روستایی از تأثیرات منفی ماهواره بیشتر زبان می‌بینند.

نتیجه‌گیری

در گستره ارزش‌های همسرگزینی، نظام سنتی انتخاب همسر، نه تنها در کشورهای توسعه یافته صنعتی، بلکه در جوامع غیرغربی توسعه یافته نیز دستخوش دگرگونی‌های

با توجه به جدول ۸، بین میزان استفاده از ماهواره بر پایداری به رسم ازدواج در میان روستاییان رابطه وجود دارد، اما این رابطه در مورد دانشجویان شهری صدق نمی‌کند. بنابراین، از آنجا که تفاوت‌هایی در سطح معناداری میان محیط روستایی با شهر دیده می‌شود، لذا فرضیه پنجم تأیید می‌شود؛ یعنی نقشی که رسانه ماهواره در میزان پایداری به ازدواج در محیط روستایی ایفا می‌کند، با محیط شهر تفاوت دارد. در بخش مربوط به محیط روستا، با توجه به منفی بودن ضریب همبستگی این رابطه معکوس است؛ به این ترتیب که هر چه قدر

اساسی شده است. در کشور ما نیز باید تحقیقاتی در این رابطه همچنان صورت گیرد تا راهکارهای منتج شده از این تحقیقات از بروز و گسترش این بحران‌ها بکاهد. یکی از دغدغه‌های جوانان ایرانی ازدواج و تشکیل خانواده است، اما این تصمیم باید مطابق با فرهنگ غنی ایرانی تداوم یابد. در دوران معاصر، مسائل و مشکلات مربوط به ازدواج مانند افزایش طلاق، چند همسری و نارضایتی زوجین از یکدیگر شیوع زیادی پیدا کرده است که نگرانی جامعه‌شناسان را در بردارد. در این رابطه راهکارهایی از جانب مسئولان اتخاذ می‌گردد، اما این راهکارها باید طوری برنامه‌ریزی شوند که کوتاهترین فاصله برای رسیدن به هدف را در برداشته باشند. تحقق بخشیدن راهکارها نیز به شناخت دقیق موضوع بستگی دارد. این پژوهش به شناسایی این نوع از شناخت کمک می‌کند، زیرا این نتیجه را منعکس می‌سازد که ارائه راهکارها باید با محیط جغرافیایی آن منطقه متناسب باشد و شرایط اقلیمی و خصوصیات فرهنگی افراد آن جامعه را مدنظر قرار دهد.

همچنانکه نتایج تجزیه و تحلیل فرضیه اول در این مقاله پژوهشی نشان می‌دهد، نگرش دانشجویان روستایی نسبت به شهری در رابطه با ازدواج متفاوت است و محیط جغرافیایی در این خصوص بی‌تأثیر نیست. در جدول ۴ این تفاوت در سطح معناداری ۰/۰۲ تأیید شد و میانگین بالای دانشجویان روستا (۴ در مقابل ۳/۶۸) نشان‌دهنده حفظ و استحکام بالای ارزش‌های سنتی در روستاست.

فرضیه دوم به بررسی تفاوت یا شباهت‌های میان شهر و روستا در این باره می‌پردازد که نقش مذهب بر میزان پایبندی به رسم ازدواج در این دو محیط چگونه است. نتایج نشان می‌دهد که در هر دو محیط سطح معناداری با

احتساب آلفای ۰/۹۵ کمتر از ۰/۵ است. بنابراین، این دو محیط به این دلیل و نیز به دلیل اینکه بتای به دست آمده مثبت است، به هم شباهت دارد؛ یعنی به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل مذهب در محیط شهری ۰/۱۸ به متغیر وابسته اضافه می‌شود و به ازای هر واحد افزایش متغیر مستقل مذهب در محیط روستایی ۰/۲۷ به متغیر وابسته اضافه می‌شود. یکی از منابع هنجاربخشی و هدایتگر افراد در زندگی، ارزش‌های دینی است. دین می‌تواند اقتدار خود را بر تمامی کنش‌ها و اعمال انسانی اعمال نماید. رابطه اعتقادات دینی و نگرش دانشجویان در این پژوهش به ارزش‌های ازدواج مطابق با فرهنگ جامعه، این موضوع را تأیید می‌کند، چرا که اعتقادات و ارزش‌های دینی طبق نظریه اینگلهارت جزو ارزش‌های سنتی هستند. رابطه متقابل این دو ارزش در مقاله پژوهشی حاضر به این صورت است که هر چه اعتقادات دینی مستحکم‌تر شده، پایبندی به ارزش‌های ازدواج نیز بیشتر می‌شود.

رابطه اعتقادات دینی و نگرش دانشجویان در این پژوهش، به ارزش‌های ازدواج مطابق با فرهنگ جامعه این مسأله را تأیید می‌کند، چرا که اعتقادات و ارزش‌های دینی طبق نظریه اینگلهارت جزو ارزش‌های سنتی هستند. رابطه متقابل این دو ارزش در مقاله حاضر به این صورت است که هر چه از اعتقادات دینی شخص کاسته شده، پایبندی به ارزش‌های ازدواج کمتر می‌شود و برعکس.

فرضیه سوم به بررسی تفاوت محیط شهری و روستایی از نظر نقش جنسیت بر میزان پایبندی به رسم ازدواج می‌پردازد و عدم شباهت سطوح معناداری در جدول مربوطه تفاوت این دو محیط را با هم تأیید می‌کند، نتیجه این فرضیه این نکته را بیان می‌کند که در محیط روستایی در مقایسه با شهر هم‌رنگی و یکنواختی

بتای به‌دست آمده برای محیط روستایی منفی و معکوس است (۰/۳۲-)، بنابراین، ماهواره تأثیر منفی بر نگرش ازدواج دانشجویان روستایی داشته، به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل میزان استفاده از ماهواره در محیط روستایی ۰/۲۸- از متغیر وابسته ازدواج کاسته می‌شود. این تأثیرات ناشی از جهانی‌شدن است که در نتیجه گسترش رسانه‌های جمعی غیرمحملی روی می‌دهد. اینگلهارت این فرآیند را به معنای درهم‌گره‌خوردن هویت‌ها و روابط اجتماعی سرزمین‌های دوردست با تاروپود محلی و سنتی دیگر جوامع می‌داند.

از تمام فرضیه‌ها دو نتیجه کلی نیز می‌توان گرفت: نخست اینکه نتایج به‌دست آمده از این پژوهش نشان‌دهنده تفاوت‌های نگرشی و ارزشی در رابطه با پابندی به فرهنگ ازدواج (ازدواجی که مطابق با عرف جامعه باشد) در میان دانشجویان روستایی با شهری است. نکته دوم میانگین بالای پابندی به فرهنگ و رسوم ازدواج است که آن را با وجود تفاوت در میان دانشجویان شهر با روستا می‌توان منسجم تلقی کرد.

به هر حال، باید تأکید کرد که یکی از نیازهای اساسی جوانان نیازهای شدید عاطفی و جنسی است که دیگر نیازها و حتی رفتارهای جوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، جامعه باید راهکارهای مناسبی برای ارضای مناسب و هنجارمند آن بیابد. یکی از این راه‌ها تشویق جوانان به سرگرفتن ازدواج‌هایی به دور از تجملات است. راه‌های دیگر نیز همکاری علمای اجتماعی (جامعه‌شناسان، روان‌شناسان)، علمای دینی و برنامه‌ریزان فرهنگی و اجتماعی کشور را می‌طلبد.

با توجه به تفاوت محیط شهر با روستا انجام هر اقدامی باید بر اساس تفاوت‌های منحصر به فرد هر یک از این دو محیط صورت گیرد. با توجه به نقش مثبت

زیادی بین نگرش زن و مرد نسبت به ازدواج وجود دارد. در کل، میانگین زنان و مردان روستایی در پابندی به فرهنگ ازدواج از مردان و زنان شهری بیشتر است. نتایج این جدول گویای میزان بالای اعتقادات به ارزش‌ها از سوی دختران نیز هست.

به طور کلی، نتایج تمامی پژوهش‌ها درمورد ارزش‌ها، پابندی بیشتر زنان را نسبت به مردان نشان می‌دهد (دواس، ۳۹۸، ۱۳۸۴). اینگلهارت نیز از جمله مسایلی آن را که ویژگی پایدار و به خوبی اثبات شده زنان می‌داند، محافظه‌گرایی زنان در مسائل اجتماعی، به ویژه امور دینی است (اینگلهارت، ۲۰۰۰:۴۴۴). اینگلهارت برای احساس نیاز بیشتر زنان به دین دلایلی بر می‌شمارد، چون محافظه‌کاری زنان، تفاوت در نوع جامعه‌پذیری، شرکت کمتر آنها در نیروی کار و این نکته که زنان بیشتر از مردان احساس گناه می‌کنند و یکی از کارکردهای دین نیز کاهش احساس گناه است، بنابراین، آنها بیش از مردان به دین احساس نیاز می‌کنند.

فرضیه چهارم به بررسی تفاوت محیط شهر با روستا از نظر نقش تحصیلات بر میزان پابندی به رسم ازدواج می‌پردازد. در این رابطه نتیجه به‌دست آمده در هر دو محیط رابطه‌ای غیرمعنادار را نشان می‌دهد و چون در هر دو محیط این رابطه غیرمعنادار است، لذا می‌توان گفت در این دو محیط تحصیلات تأثیری بر نگرش نسبت به ازدواج ندارد.

فرض پنجم به بررسی تفاوت محیط شهر با روستا از نظر میزان استفاده از ماهواره بر میزان پابندی به رسم ازدواج می‌پردازد. رابطه ماهواره بر ازدواج در روستا در سطح معناداری ۰/۰۰ تأیید شد، اما این رابطه برای محیط شهری به دلیل اینکه $0/05 > 0/31$ است، غیرمعنادار است. بنابراین، این دو محیط از این نظر با هم تفاوت دارند.

تمهیدات مذکور نیاز به استفاده و به کارگیری نتایج تحقیقات مشابه را می‌طلبد. در این صورت باید تمام نتایج پژوهش‌های مشابه را در کنار هم گرد آورد و به پیاده‌کردن راهکارها بر اساس محیط جغرافیایی، جنس و نظایر آن اقدام نمود.

منابع

اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۲). *تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی*، ترجمه: مریم وتر، تهران: نشر کویر.

آشتیانی، علی. (۱۳۸۳). «بررسی ازدواج‌های موفق و ناموفق در بین دانشجویان»، *دوماهنامه علمی پژوهشی دانش‌سور رفتار*، دانشگاه شاهد، آبان ۸۳، سال یازدهم، ش ۷، ص ۹-۱۶.

حسینی، حاتم و محمدجلال عباسی شوازی. (۱۳۸۸). «تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کُرد و تُرک»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ش ۲۵، ص ۵۵-۸۴.

کاظمی‌پور، شهلا. (۱۳۸۸). «سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن»، *فصلنامه دانشگاه اسلامی*، ش ۴۲، ص ۷۵-۹۵.

عباسی شوازی، محمد جلال و فاطمه ترابی. (۱۳۸۵). «تفاوت‌های بین‌نسلی ازدواج خویشاوندی در ایران»، *فصلنامه جامعه‌شناسی ایران*، ش ۱۶، زمستان، صص ۱۱۹-۱۴۶.

دلخمش، محمدتقی. (۱۳۸۵). «ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی»، *فصلنامه روان‌شناسان ایرانی*، سال سوم، ش ۱۲، صص ۲۹۹-۳۱۸.

_____ . (۱۳۸۶). «ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی»، *فصلنامه روان‌شناسی تحولی*:

باورهای مذهبی، یادآوری ارزش‌ها و انتقال آن از طرف والدین به فرزندان بیش از پیش احساس می‌شود. با توجه به اینکه یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد، تحصیلات نقش مؤثری در تغییر نگرش دانشجویان نسبت به ارزش‌های ازدواج نداشته، در این زمینه نقش خنثی دارد، بنابراین، ضعف اساسی درباره این موضوع در دانشگاه‌ها دیده می‌شود. پس، گنجاندن برنامه‌های درسی و آموزشی مرتبط با ازدواج مانند آشنایی‌های قبل از ازدواج، دوران نامزدی و انتظارات زوجین از همدیگر پس از ازدواج، گنجاندن داستان‌های ادبی در باب ازدواج، آشنا کردن دانشجویان با سنت‌های ایرانی و باستانی مرتبط با فرهنگ ازدواج پیشنهاد می‌شود، که اینها خود اختصاص دادن چند واحد درسی در این زمینه را در دانشگاه‌ها ایجاب می‌کند. البته، با توجه به تفاوت‌های نگرشی زن و مرد توصیه می‌شود در ارائه دروس به این تفاوت‌ها توجه شود.

با توجه به اینکه استفاده از ماهواره در اکثر خانواده‌ها به وسیله‌ای در کنار تلویزیون داخلی در آمده، چه بسا بهتر است به معرفی شبکه‌های آموزشی آن پرداخته شود. در این خصوص راه‌های زیادی را می‌توان جستجو کرد؛ مثلاً مسؤولان رسانه‌های تصویری می‌توانند برخی از برنامه‌های مفید علمی، تربیتی، اجتماعی و آموزشی را از ماهواره دریافت کرده یا آن را از کشورهای دیگر خریداری نمایند، به طوری که با فرهنگ کشور منطبق باشد و آن را در تلویزیون داخلی به نمایش بگذارند. بررسی‌های انجام شده نکات آموزنده و مثبت این گونه برنامه‌ها را تأیید می‌کند. این گونه تمهیدات نیاز به استفاده و به کارگیری نتایج تحقیقات مشابه را می‌طلبد. بدیهی است انجام این تمهیدات تمام نگرانی‌های مرتبط با پیامدهای منفی ازدواج مانند طلاق را نمی‌تواند حل کند.

- روان‌شناسان ایرانی، ش ۱۲، ص ۲۹۹-۳۰۹.
- _____ (۱۳۸۸). «سلسله مراتب ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، ش ۱۸، ص ۲۰۷-۲۳۰.
- دواس. دی. ای. (۱۳۸۴). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه: هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.
- عسکری ندوشن، عباس، محمدجلال عباسی شوازی و رسول صادقی. (۱۳۸۸). «مادران، دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد)»، فصلنامه *مطالعات راهبردی زنان*، سال یازدهم، ش ۴۴، ص ۷-۳۶.
- علی اکبری دهکردی، مهناز. (۱۳۸۶). «بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های همسرگزینی دختران جوان شهر اهواز»، *دوماهنامه دانشور رفتار*، ش ۲۵، ص ۷۶-۸۳.
- فرهنگ لغت دهخدا. (۱۳۸۷). www.mibosearch.com فرهنگ لغت معین. (۱۳۸۷). www.mibosearch.com
- مکلولین، شون. (۱۳۸۳). *مراسم مذهبی و فرهنگ*، ترجمه: افسانه نجاریان، اهواز: نشر رسش.
- موحد، مجید. (۱۳۸۵). «بررسی رابطه عوامل اجتماعی و فرهنگی با نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج»، *مجله علوم/اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره بیست و چهارم، شماره دوم، (پیاپی ۴۷)، ص ۱۴۷-۱۶۵.
- موحد، مجید و محمدتقی عباسی شوازی. (۱۳۸۵). «بررسی رابطه جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین‌شخصی دو جنس پیش از ازدواج»، فصلنامه
- مطالعات زنان*، ش ۱۰، ص ۶۷.
- نادرنژاد، بهزاد. (۱۳۸۷). *بررسی ارتباط رسانه‌های جمعی بر پابندی به عناصر هویت فرهنگی دانشجویان شهر سنندج*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه.
- Al-Haj, M. (1995) "Kinship and Modernization in Developing Societies: The Emergence of Instrumentalized Kinship", *Journal of Comparative Family Studies*, 26 (3):311-328.
- Al-Haj, M. (1988) "The Changing Arab Kinship Structure: The Effect of Modernization in an Urban Community," *Economic Development and Cultural Change*, 36(2):237-258
- Buss, D.M. Shackelford, T. K. Kirkpatrick, L.A. & Larsen, R.J. (2007) A Half Century of Mate Preference: The Cultural Evolution of Values.
- Clel &, J. & C.R. Wilson (1987) "Dem & Theories of the Fertility Transition: a Conoclastic View", *Population Studies*, 41(1): 5-30.
- Good, W. (1963) *World Revolution & Family Patterns*, London: Free Press of Glencoe.
- Hirshcman, C. and et al. (2002) "Tradition and Change in Vietnams Family Structure in the Red River Delta", *Journal of Marriage and Family*, 64. pp 1063- 1079
- Ingelhart, Ron. (2000) "The Development Theory of the Gender Gap: Women and Men Behavior in Global Perspective", *International Political Science Review*, Pp: 441-463.
- Ingelhart, Ron. (1997) *Modernization and Postmodernization*, Princeton University Press.
- Ingelhart, Ron. (2005) *Modernization, Cultural Change and Democracy: The Human Development Sequence*, Cambridge University Press.

- Kenear, P. (2004) *New Family for New Time*, London: Allyn and Bacon.
- Lesthaeghe, R. & J. Surkyn (1988) "Cultural Dynamics & Economic Theories of Fertility Change", *Population & Development Review*, 14(1): 1- 45.
- Lesthaeghe, R. (1995), "The Second Demographic Transition in Western Countries: An Interpretation", Pp.17-61, In K. O. Mason & A – M. Jensen (Eds), *Gender & Family Change in Industrial Countries*, Oxford: Iarendon Press.
- Malhotra, A. and A. O. Tsui. (1996) "Marriage Timing in Sri Lanka: The Role of Modern Norms and Ideas", *Journal of Marriage and the Family*. 58(2): Pp. 476-490.
- Thornton, A. (2001) "The Developmental Paradigm, Reading History Sideways & Family Change", *Demography*, 38(4): 449-465.
- Thornton, A. (2005) *Reading History Sideways: The Fallacy & Enduring Impact of the Developmental Paradigm on Family Life*, Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Toren, N. (2004")Tradition and Transition: Family Change in Israel", *Journal of Gender Issues*, Vol. 21, pp. 60-76.
- Van de Kaa, D. J. (1987) "Europe's Second Demographic Transition", *Population Bulletin*, 42 (1), Washington, PRB.
- Van de Kaa, D.J. (2001), "Postmodern Fertility Preferences: From Changing Value Orientation to New Behavior", *Population & Development Review*, 27(Supp.): 290-331.